

# سیاست جنایی تقنینی افغانستان در قبال جرائم اتباع خارجی

دکتر عبدالخالق فصیحی<sup>۱</sup>

احمدضیا علمیار<sup>۲</sup>

## چکیده

سیاست جنایی تقنینی به عنوان همه راهکارها، تدابیر و اقدامات کیفری سرکوب‌گرانه و پیش‌گیرانه است که قانونگذار به منظور تأدیب و توبیخ بزهکاران و نیز پیشگیری از وقوع جرم و انحراف، در چوکات قوانین موضوعه مدون، پیش‌بینی می‌کند. پژوهش حاضر پیرامون جرائم اتباع خارجی در پرتو قوانین افغانستان برای فهم رویکرد سیاست جنایی تقنینی افغانستان در قبال جرائم اتباع خارجی، شناسایی خلاءهای قوانین، نقاط ضعف کنش‌گران و بیان راهکارهای مبارزه با بزهکاران و جلوگیری از تردد بی‌رویه اتباع خارجی به داخل کشور است. پژوهش به روش تحلیلی و توصیفی با رویکرد جمع‌آوری داده‌ها از طریق کتابخانه‌ها و مصاحبه‌ها و کسب معلومات از کارشناسان و اساتید اهل فن و مسئولین بعضی از اداره‌های درگیر با قضایای جرائم اتباع خارجی، انجام یافته‌است. یافته‌های تحقیق، نشان می‌دهد که موقعیت جغرافیایی کشورمان باعث شده است تا کشورهای خارجی با استفاده از شهروندان فرصت‌طلب و سودجوی داخلی، افغانستان را محل و پایگاه مبارزه با رقبای سیاسی و اقتصادی‌شان قرار دهند. این امر موجب می‌شود تا در کنار افراد و اشخاص داخلی، اتباع خارجی نیز بدون رعایت قواعد مرزی، در کشور حضور یافته و دست به اعمال بزهکارانه بزنند و به علت مصلحت‌های سیاسی، تبعیض‌های بی‌مورد، مجازات هم نشوند.

واژگان کلیدی: سیاست جنایی تقنینی، افغانستان، ورود غیرقانونی، جرائم اتباع خارجی.

<sup>۱</sup>. دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، عضو هیأت علمی دانشگاه بین‌المللی المصطفی (ص) افغانستان.

<sup>۲</sup>. ماستری حقوق جزام و جرم‌شناسی (نویسنده مسؤول)

## مقدمه

سیاست جنایی تقنینی به عنوان همه راهکارها، تدابیر و اقدامات کیفری سرکوب‌گرانه و پیش‌گیرانه است که قانونگذار به منظور تأدیب و توبیخ بزهکاران و نیز پیش‌گیری از وقوع جرم و انحراف، در چوکات قوانین موضوعه مدون؛ تسجیل می‌کند. یکی از موضوعات جدید و قابل بحث سیاست جنایی تقنینی افغانستان در قبال جرائم اتباع خارجی است. تحولات اجتماعی در سطح ملی و بین‌المللی و پیامدهای حقوقی ناشی از آن، حتا جوامع مدرن و توسعه‌یافته را تحت تأثیر قرار داده است؛ افغانستان که مبدأ و مرکز قاجاق مواد مخدر، انسان و آثار باستانی می‌باشد؛ بیشتر از کشورهای دیگر در معرض خطر جرائم ارتكابی از سوی اتباع خارجی قرار دارد؛ بنابراین ضرورت ایجاب می‌نماید تا با رویکرد دقیق و روشکافانه‌ای در حوزه سیاست‌گذاری جنایی تقنینی پیرامون جرائم اتباع خارجی، تصمیمات کاربردی مؤثر اتخاذ گردد، اما همان‌گونه که سیاست جنایی تقنینی، در رویکرد علمی در سطح جهان یک رشته جوان می‌باشد؛ در افغانستان، به ویژه در قبال جرائم اتباع خارجی کاملاً یک تحقیق جدید و بی سابقه می‌باشد.

نظام حقوقی کشور نشان می‌دهد که رویکرد قوانین افغانستان در قبال جرائم اتباع خارجی بیشتر کلی و کیفری و تنبیه محور بوده است تا به شکل خاص، مصلحانه و پیش‌گیرانه آن، اما تطبیق قانون در مراحل محاکماتی نه تنها از یک‌نواختی برخوردار نبوده بلکه به علت چیرگی سیاست سلیقه‌ای حاکم بر آن، تبعیض‌ها، تعصب‌ها، نا امنی‌ها و عدم حاکمیت دولت بر قلمرو سرزمینی و جغرافیایی کشور، اغلب با چالش‌ها و ناکامی‌ها همراه بوده است.

## ۱. مفاهیم

از آنجا که تعاریف اساس مفروضات، نظریه‌ها و نظریه پردازی‌ها قرار می‌گیرند، بحث پیرامون اصطلاحات در هر حوزه علمی و ارائه تعریف یا چهارچوب مشخص از مفاهیم مرتبط با آن حوزه علمی ضرورت پیدا می‌کند. مقاله حاضر نیز با درک این ضرورت برای به دست دادن زبانی مشترک و نیز زمینه چینی برای ورود به اصل بحث اقدام به ارائه تعریف از سیاست جنایی نموده است.

### ۱-۱. مفهوم سیاست جنایی از منظر اندیشمندان غربی

الف) مارک آنسل؛ وی، در مقاله نسبتاً مفصل خویش در ۱۹۷۵، سیاست جنایی را توأماً «علم مشاهده و مطالعه» و «هنر، فن یا راهبرد اصولی و نظام‌یافته واکنش ضد جرم» دانسته است (لازرژ ۱۳۹۲، ۱۴).  
ب) می‌ری دلماس مارتی: یکی دیگر از دانشمندان فرانسوی که در واقع می‌توان او را ادامه دهنده مشی علمی و اندیشه آنسل دانست، در سال ۱۹۸۳ تعریفی جامع‌تر ارائه می‌دهد: «مجموعه شیوه‌ها و روش‌هایی که هیأت اجتماع با توسل به آن‌ها، پاسخ‌های به پدیده جنایی (مجرمانه) را سازمان می‌بخشد» (دلماس مارتی ۱۳۹۸، ۱۰۳) که از آن می‌توان، مفهوم موسع سیاست جنایی را به دست آورد.

### ۱-۲. مفهوم سیاست جنایی از منظر اندیشمندان شرقی

الف) جلال‌الدین قیاسی؛ وی، سیاست جنایی را کلیه تدابیری می‌داند که در مقابله با جرم و انحراف توسط دولت و جامعه اتخاذ می‌شود (قیاسی ۱۳۸۴، ۴۰).

ب) نجفی ابرندآبادی. وی به ادامه فرآیند مفهوم سیاست جنایی و تذکر تعریف‌های دانشمندان غربی در صفحه ۱۷ درآمدی بر سیاست جنایی، به این تعریف می‌پردازد که: «سیاست جنایی کلیه اقدام‌های سرکوب‌گرانه (کیفری و

غیر کیفری) و پیش‌گیرانه با ماهیت‌های مختلف می‌شود که دولت و جامعه‌مدنی هریک به صورت مستقل و یا با مشارکت سازمان‌یافته یکدیگر، از آن‌ها در قالب روش‌های مختلف به منظور سرکوبی بزهکاری و بزهکاران و نیز پیش‌گیری از بزهکاری و انحراف استفاده می‌کنند. در جای دیگر این‌گونه به تعریف موسع از سیاست جنایی می‌پردازد: «سیاست جنایی یک تأمل و تفکر معرفت‌شناسانه درباره پدیده مجرمانه، درک این پدیده و وسایلی است که برای مبارزه بر ضد رفتارهای حاکی از انحراف یا بزهکاری به اجرا گذاشته می‌شود؛ سیاست جنایی یک راهبرد (استراتژی) حقوقی و اجتماعی، مبتنی بر گزینه‌های سیاسی، برای پاسخ‌دهی همراه با واقع‌بینی به مسائل ناشی از پیش‌گیری و سرکوب پدیده مجرمانه در معنای وسیع آن است» (لازرژ، پیشین).

حال با در نظر داشت تعاریفی که از سیاست جنایی صورت گرفت، می‌توان گفت که سیاست جنایی تقنینی عبارت است از: همه راهکارها، تدابیر و اقدامات کیفری سرکوب‌گرانه و پیش‌گیرانه که قانونگذار به منظور تأدیب و توبیخ بزهکاران و نیز پیشگیری از وقوع جرم و انحراف، در چوکات قوانین موضوعه مدون تسجیل می‌کند. در اینجا لازم به تذکر است که مقنن، نقش نهادهای عالمان دینی در مساجد و منابر و نیز خلق خوش عالمان اخلاق که با نصایح و بیم و امیدهاشان، نبض و نقش الزام‌های درونی و وجدانی را بیدار و زنده نگه می‌دارند و در پیش‌گیری از ارتکاب بزه و بزهکار شدن افراد جامعه، بسیار مؤثر می‌باشد؛ نباید نادیده بگیرد، زیرا از قبل گفته‌اند: «قانون ترجمان اخلاق است».

## ۲. وضعیت حقوقی اتباع خارجی

برای بیان و تفهیم سیاست جنایی در قبال جرائم اتباع خارجی، لازم است تا وضعیت حقوقی اتباع خارجی بیان گردد و تدابیری که در این رابطه توسط مقنن اتخاذ گردیده شناسایی شود؛ یعنی این‌که مشخص شود که جایگاه و موقف یک شخص بیگانه در چارچوب حقوقی کشور چیست؟ زیرا روی دیگر سکه حقوق و امتیازها تکالیف است که شخص ملزم به رعایت و احترام به آن می‌باشد. در این‌مبحث به شناسایی وضعیت حقوقی اتباع خارجی که ناشی از یک سلسله اصول ملی و بین‌المللی است، خواهیم پرداخت.

### ۲-۱. اصل آزادی ورود و اقامت اتباع بیگانه

در مقدمه کنوانسیون مرتبط به وضع پناهندگان ۲۸/جون/۱۹۵۱، خطاب به کشورهای متعاقد چنین اشعار می‌دارد: «طرف‌های معظم متعاقد! نظر به این‌که منشور ملل متحد و اعلامیه جهانی حقوق بشر که در ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ به تصویب مجمع عمومی رسیده است، این اصل را مورد تأکید قرار داده‌اند که کلیه افراد بشر باید بدون تبعیض از حقوق بشری و آزادی‌های اساسی برخوردار گردد...». ماده ۱۳ اعلامیه حقوق بشر در این مورد بیان می‌دارد:

«الف. هرکس حق دارد که در داخل هر کشوری آزادانه عبور و مرور نماید و محل اقامت خود را انتخاب نماید.

ب. هرکس حق دارد هر کشوری از جمله کشور خود را ترک نماید یا به کشور خود بازگردد».

دولت جمهوری اسلامی افغانستان نیز در رابطه به تضمین حقوق و آزادی‌های اتباع خارجی، مطابق قانون اساسی مکلف شناخته شده است (قانون اساسی ۱۳۸۲، ماده ۵۷)؛ اما مطابق ماده ۵۹ قانون اساسی، «هیچ شخص نمی‌تواند با سوء استفاده از حقوق و آزادی‌های مندرج این قانون اساسی، برضد استقلال، تمامیت ارضی، حاکمیت و وحدت ملی عمل کند»؛ که واژه تعبیه شده «هیچ شخص»، عمومیت و اطلاق بر هر شخص اعم از اتباع داخلی و خارجی را بیان می‌دارد. همین‌طور ماده ۳۵ قانون مسافرت و اقامت اتباع خارجی، نیز بیان می‌دارد: «تبعه خارجی که مطابق احکام این قانون داخل قلمرو جمهوری اسلامی افغانستان می‌شود، از حقوق و آزادی‌های فردی و اجتماعی مطابق قانون برخوردار می‌گردد». بناءً دیده می‌شود که اتباع خارجی از حقوق و آزادی‌های فردی و اجتماعی محدود شده در چوکات قوانین نافذ برخوردارند، نه به صورت مطلق و بدون قید و شرط آن.

## ۲-۲. اصل شناختن حداقل حقوق برای بیگانگان

در رابطه به حداقل حقوق برای بیگانگان، نظر واحد و اصول قبول شده که مورد اجماع جامعه جهانی باشد وجود ندارد بلکه هر دولت متناسب به طرز تفکر و اصول و قواعد اخلاقی و باورهای دینی و ایدئولوژیکی مربوط به همان کشور و شرایط تسجیل شده در قوانین داخلی‌شان، برای بیگانگان، حقوق و آزادی‌های فردی و اجتماعی قائل می‌شوند؛ اما برخی از دانشمندان علم حقوق «کوشش فراوان کرده‌اند تا میزان حداقل حقوق بیگانگان را به صورتی مشخص در آورند مثلاً وردروس (Werdross) اتریشی آن‌را به صورت ۵ ماده پیشنهاد کرده است که شامل مطالب زیر می‌باشد: شناختن حقوق خصوصی لازم برای ادامه زندگی، احترام به شخصیت افراد از جمله آزادی شخص، احترام به حقوق مکتسبه بیگانگان، احترام‌مسکن، احترام به حق مراجعه به دادگاه‌های کشور، حمایت بیگانگان از اعمالی که موجب زیان مالی و جانی برای آن‌ها می‌باشد» (ارفع‌نیا ۱۳۸۲، ۲۲۴).

در اعلامیه اسلامی حقوق بشر مصوب ۱۴ محرم ۱۴۱۱ قمری مطابق با ۱۵ مرداد ۱۳۶۹ در ماده ۱۲ چنین مشعر است: «هر انسانی برطبق شریعت حق انتقال و انتخاب مکان برای اقامت در داخل یا خارج کشورش دارد و در صورت تحت ظلم قرارگرفتن می‌تواند به کشور دیگری پناهنده شود؛ و برآن کشور پناهنده واجب است که با او مدارا کند تا این که پناهگاهی برایش فراهم شود. با این شرط که علت پناهندگی به خاطر ارتکاب جرم طبق نظر شرع نباشد».

در ماده ۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز در این رابطه آمده است که: «هر کس حق دارد که شخصیت حقوقی او در همه جا به عنوان یک انسان در مقابل قانون شناخته شود». این ماده بیان گر برابری شخصیت انسانی اتباع بیگانه با اتباع داخلی کشورهاست؛ اما طوری که تاریخ نشان می‌دهد و در این تحقیق، دریافت شد اتباع خارجی به لحاظ حقوقی، در ادوار تاریخی، وضعیت ثابتی نداشته‌اند؛ اما قدم به قدم تا اکنون وضعیت به نفع اتباع خارجی تغییر نموده که اکنون با توجه به کنوانسیون‌ها، اعلامیه‌ها و سایر اسناد بین‌المللی و قوانین داخلی کشورها، وضعیت مشخص تری دارند و از حقوق و آزادی‌های لازم برخوردارند. کشور ما نیز از این سیر تاریخی برای کاروان حقوقی اتباع خارجی بی‌بهره و جدا نبوده است و سیاست تقنینی در آیینة قوانین اساسی ادوار گذشته تا حال، گواه زنده‌ای برای این مدعاست.

## ۲-۳. پروتکل مربوط به وضع پناهندگان

سند بین‌المللی دیگری که در رابطه به حقوق پناهندگان وجود دارد، پروتکل مربوط به وضع پناهندگان مورخ ۳۱ ژانویه ۱۹۶۷، می‌باشد که «در پروتکل فوق به محدودیت‌های زمانی و جغرافیایی موجود در کنوانسیون پناهندگان از بین رفته است» (فارسیان مطلق ۱۳۹۲، ۳۵). دولت جمهوری اسلامی افغانستان، به این پروتکل نیز ملحق شده است، اما با وجودی این که چندین سال پیش از طرح قانون در امور پناهندگان سخن می‌رفت تا کنون عملاً چنین چیزی به چشم نمی‌خورد. به همین علت تعداد بیشتری از اتباع خارجی که درخواست پناهندگی داده‌اند تا اکنون جز یک یا دو مورد، کسی سند پناهندگی دریافت ننموده است. اکثر این اشخاص اتباع جمهوری اسلامی ایران می‌باشند (-10-22 per.euronews.com ۲۰۱۹). این امر باعث شده است که اتباع خارجی، مطابق ماده ۱۳ قانون کار؛ به نسبت نداشتن تذکره تابعیت، نتوانند در اشتغال برخی از شغل‌ها استخدام شوند، زیرا اشخاصی که اتباع خارجی را بدون داشتن تذکره تابعیت، استخدام نمایند، وفق صراحت ماده ۹۰۲ کدجزا «تحت عنوان ارائه معلومات نادرست و استخدام شخص بدون داشتن تذکره تابعیت، به حبس قصیر، محکوم می‌گردند».

## ۳. وضعیت جرم شناختی و جرم انگاری جرائم اتباع خارجی

افغانستان به دلیل احراز موقعیت خاص جغرافیای سیاسی که در مجاورت با کشورهای به هم مرتبط و متصل همانند چین، تاجکستان، ازبکستان، ترکمنستان، ایران و ... با داشتن برخی از اشتراکات فرهنگی، مذهبی، زبانی و غیره با موجودیت منابع و ذخایر بکر انرژی طبیعی، وضعیت منحصر به فردی را به وجود آورده که از دیرزمان تا کنون توجه کشورهای

زیادی را به خود جلب نموده است که در طول تاریخ رقابت‌های ابرقدرت‌های جهان و کشاکش‌ها و دست‌درازی‌های کشورهای منطقه را نیز در خود شاهد بوده که بیشتر به عنوان عروس هزارداماد مطرح شده و هرکس به زعم خود با آن یار بوده و برای مطلب خویش با آن دلبری نموده است که هنوز هم در محراق توجه کشورهای جهان، منطقه و همسایه قرار دارد. در این مبحث در آغاز وضعیت جرم‌شناختی اتباع خارجی، طی گفتار اول مورد بحث و بررسی قرار خواهد گرفت و سپس طی گفتار جداگانه به جرم‌انگاری جرائم اتباع خارجی در سیاست تقنینی خواهیم پرداخت:

### ۱-۳. وضعیت جرم‌شناختی اتباع خارجی

طوری‌که وضعیت کشورهای جهان مطالعه و ملاحظه می‌گردد، برخی از کشورها با کمبود نیروی فعال انسانی و برخی دیگر از کشورها با ازدیاد نفوس جوان و رو به رشد، اما با اقتصاد ضعیف و عدم موجودیت فرصت‌های شغلی مناسب و یا وضعیت خراب امنیتی و بحران‌های سیاسی مواجه‌اند که این امر سبب فرار نیروی‌های جوان کشورهای با اقتصاد و امنیت ضعیف و درگیر جنگ و نا امنی به آغوش کشورهای توسعه‌یافته و دارای صلح و امنیت که تا حدودی پذیرای آنان می‌باشند، مهاجرت و پناهندگی را یک امر حتمی در سرنوشت حیات دنیایی این افراد که در جستجوی زندگی راحت و توأم با رفاه و آسایش بیشتر اند، رقم زده‌است؛ اما از جانب دیگر رقابت‌های گوناگون اقتصادی، سیاسی، نظامی، فرهنگی و ... با وجود باندها و سازمان‌های مافیایی و فرصت طلبی‌های شبکه‌های استخباراتی که در سطح منطقه و جهان وجود دارند و در صورت عدم توجه و سهل‌انگاری نیروهای امنیتی و مسئولین ذی‌دخل در موضوعات سیاسی و استخباراتی، باعث خواهد شد که کشور مهاجرپذیر با انواع مشکلات و اقسام چالش‌ها و بحران‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، نظامی و ... از رهگذر ورود بدون برنامه و بی‌رویه مهاجران اتباع بیگانه مواجه می‌شوند.

اگر مسئولان امنیتی، نظامی و سیاسی کشور، نتوانند کنترل مرزها و سرحدات زمینی و هوایی کشور را تحت تسلط خویش درآورند، وضعیت امنیتی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی بدتر از حالت موجود خواهد شد و مردم شاهد وضعیت‌های وخیم‌تری ناشی از جرائم اتباع خارجی خواهند بود؛ زیرا حتا کسانی که در قالب نیروهای ناتو و کمک‌کننده به دولت جمهوری اسلامی افغانستان وارد کشور شده بودند، جرائم بی‌شماری را علیه شهروندان بی‌گناه افغان مرتکب شدند که در برخی از رسانه‌ها شنیده شد که نیروهای نظامی استرالیایی به کشتن ۳۹ تن از اتباع بی‌گناه افغان در سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۵ متهم و ۱۹ تن آنان به نقل از رسانه‌های جمعی داخلی و خارجی توسط دولت آن کشور بازداشت شدند (تلویزیون تمدن، ساعت ۱۵ و ۵۰ دقیقه). این درحالی‌ست که نظامیان سایر کشورها از جمله آمریکایی‌ها نیز عملاً مرتکب چنین جرایمی شده‌اند، اما توسط پیمان‌ننگین امنیتی و مصئونیت قضایی آن کشور با جمهوری اسلامی افغانستان که بر مبنای آن، جمهوری اسلامی افغانستان حق محاکمه و مجازات سربازان آن کشور را ندارد که این موضوع عدالت قضایی را قربانی برنامه‌های سیاسی-اقتصادی نموده و استقلال و حاکمیت کشور را تحت شعاع قرارداده و تیغ تکفیر و اتهام مخالفان افراطی را نسبت به دولت جمهوری اسلامی افغانستان به عنوان یک دولت دست‌نشانده جری‌تر ساخته‌است.

### ۲-۳. جرم‌انگاری جرائم اتباع خارجی

جرم‌انگاری «در برخی از فرهنگ‌های حقوقی، اعلان مجرمانه بودن عملی‌است که تا پیش از این وصف مجرمانه نداشته است» (مجیدی ۱۳۸۶، ۳۶-۳۷). از جانب دیگر به لحاظ جرم‌شناختی، «جرم‌انگاری یا جرم تلقی‌کردن قانونی فعل و یا ترک فعل، فرایندی است که به‌وسیله آن رفتارهای جدید، به موجب قوانین کیفری مشمول قانون جزا می‌شوند» (نجفی ابرنآبادی و هاشم‌بیگی ۱۳۷۷، ۷۶). لذا جرم‌انگاری، به اقدام تقنینی قانون‌گذار در راستای حفظ ارزش‌ها و هنجارهای اساسی جامعه اطلاق می‌شود که بر مبنای ملاک‌ها و معیارهای پذیرفته شده، یک سری بایدها و نبایدهای رفتاری را که به نفع جامعه است، با ضمانت اجراهای کنترلی مشخص می‌نماید. این اقدامات تقنینی اغلب کلی، عام و مطلق است که هر فرد از افراد موجود در جامعه را شامل می‌شوند، اما گاهی نسبت به مصادیقی مشخص و در رابطه به موضوع و موردی

خاصی که برخی از افراد را شامل می‌شود و عده دیگر را در بر نمی‌گیرد، به منصب ظهور می‌رسد. اتباع خارجی نیز از مصادیق خاص است که برخی از کنش‌های آنان جرم تلقی شده و موجب شمول قواعد ناشی از اقدامات تقنینی قانون‌گذار در موارد خاص، می‌شوند. برای این است که تبعه خارجی برای تردد، مکلف به اخذ و تمدید ویزه از ادارات ذی‌ربط در داخل و خارج از کشور، قبل از هفت روز، پیش از تاریخ سفر و یا قبل از انقضای تاریخ ویزه شده است (قانون مسافرت و اقامت اتباع خارجی ۱۳۹۴، مواد ۲۳ و ۲۴). البته دارندگان پاسپورت سیاسی که براساس توافقات دوجانبه یا چند جانبه یا رویه بالمثل با جمهوری اسلامی افغانستان، رفع ویزه نموده‌اند از این امر مستثنا اند (همان، ماده ۲۵). اتباع خارجی که وارد قلمرو جمهوری اسلامی افغانستان، می‌شوند، مکلف به ارائه اسناد لازم مسافرت به مأمورین ذی‌ربط دخولی و خروجی، می‌باشند (همان، ماده ۳۳)، حتا آن عده از اتباع خارجی که برای مشاهده‌های علمی (همان، ماده ۳۷) وارد قلمرو افغانستان می‌شوند، مکلف به هماهنگی برنامه‌ای سفری خویش با اداره‌های ذی‌ربط امنیتی و فرهنگی، می‌باشند (همان، ماده ۳۶). همچنان در صورتی که با ویزه ورودی کار وارد می‌شوند، مکلف‌اند در ظرف ۴۸ ساعت به اداره مرتبط به کاراش، اطلاع دهند (همان، ماده ۴۰)، در صورتی که اتباع خارجی مقیم در جمهوری اسلامی افغانستان، محل اقامت‌شان را تغییر می‌دهند، مکلف‌اند در خلال مدت ۲۴ ساعت قبل از ترک محل، مسئولان ذی‌ربط را در جریان قرار دهند (همان، ماده ۳۴).

دیده می‌شود، همه اتباع خارجی که با رعایت احکام قانون وارد قلمرو افغانستان می‌شوند، از حق سیاحت و گشت و گذار آزادانه برخوردار بوده و دید و بازدیدشان از هر نقطه مجاز محسوب می‌شود (همان، ماده ۴۲)، مگر اینکه «قیودی بر ورودشان» (همان، ماده ۶۵) از طرف مراجع مربوط وضع شده باشند و یا اتباع خارجی، برای پیاده نمودن اهداف مغرضانه و مخربانه همچون «دعوت و تبلیغ غیراسلامی، اخلال امنیت، ولگرد، مضر و مریض از جانب اداره‌های رسمی، ممنوع‌الخروج» شناخته شده باشند (همان، ماده ۴۳).

همان گونه که دیده شد، همه تردها و اقامت اتباع خارجی، باید بر مبنای قانون و اجازه مأمورین ذی‌صلاح انجام یابد در غیر آن استفاده از مفاهیم و نیز منطوق مواد قانون متذکره، همه تردها و اقامت‌های شان غیرقانونی بوده و مشمول مواد مربوط به پیگرد و مجازات خواهند بود (همان، ماده ۵۱).

#### ۴. مکلفیت‌های اتباع خارجی

طوری که متذکر شدیم، قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان با لحاظ نمودن احکام و قواعد حقوق بین‌الملل به‌عنوان یکی از منابع حقوقی در هنگام تسوید سندهای تقنینی (قانون طرز طی مراحل نشر و انفاذ اسناد تقنینی، جزء ۱ ماده ۳، مواد ۴، ۸ و ۱۸)، مبنای تضمین حقوق و مکلفیت‌های اتباع خارجی بوده و در رعایت حقوق و تعیین حدود و چارچوب‌های رفتاری آنان، معیار و مَحک تشخیصِ بایدها و نبایدهای آنان می‌باشد و نیز برای پالیسی‌سازان و مدیران سیاست‌تقنینی قوه مقننه، مبنای تسوید و تصویب قوانین عادی، طرز‌العمل‌ها و مقرره‌های وضعی‌شان بوده و همین‌طور دستورالعمل مسئولین و مأموران دولتی نسبت به تخلفات رفتاری اتباع خارجی، نیز می‌باشد.

طبق قوانین داخلی همه کشورها از جمله کشورما و قواعد و اسناد و رویه بین‌الملل، ورود و خروج اتباع یک‌کشور در کشورهای دیگر متضمن داشتن اسناد و مدارک لازم مربوط همانند پاسپورت، شناس‌نامه و ویزه می‌باشد. این درحالی‌است که باید ورود و خروج از مسیرها و معبرهای قانونی و ترانزیتی مشخص شده هوایی و زمینی صورت گیرد، در غیر این‌صورت عبور و خروج اتباع خارجی غیرقانونی پنداشته شده و در صورت عدم داشتن عذر موجه قابل پیگرد عدلی و مجازات قانونی شناخته خواهند شد.

#### ۴-۱. ورود و خروج قانونی یا داشتن پاسپورت و سند مسافرت

طبق جزء ۲ ماده ۳ قانون پاسپورت، سند مسافرت، عبارت‌از: «سند رسمی‌است که در حالات خاص برای اتباع‌کشور به منظور بازگشت آن‌ها به وطن توسط نمایندگی‌های سیاسی یا قونسل‌ی افغانستان در خارج، یا برای اتباع خارجی که کشور متبوع‌شان در داخل افغانستان نمایندگی سیاسی یا قونسل‌ی یا حافظ منافع نداشته باشد طبق احکام این قانون و مقررات بین‌المللی بعد از تأیید وزارت امور خارجه از طرف وزارت امور داخله، صادر می‌گردد». همچنان جزء ۷ ماده ۳ قانون اقامت اتباع خارجی در جمهوری اسلامی افغانستان، سند مسافرت را با کمی تفاوت، تعریف نموده است.

با توجه به تعریف فوق، فهمیده می‌شود که اتباع خارجی باید در رابطه به عبور و مرورشان، مجوز رسمی داشته باشند تا به وسیله آن، هم خود آنان از ناحیه بازجویی و تفحص به مشکل و اتلاف وقت دچار نشوند و هم مسئولین سرحدی کشور دچار تردید و وسوسه شناخت نشوند. در غیر آن وفق صراحت مواد ۳۳ و ۳۵ قانون پاسپورت، عبور و مرور غیرقانونی بوده و مرتکب آن مورد تعقیب و پیگرد عدلی - قضایی قرار خواهد گرفت.

#### ۴-۲. التزام اتباع خارجی به اخذ ویزه

امروزه هر شخصی که عزم سفر از یک کشور به کشوری دیگری را داشته باشد، مکلف است که برچسب یا استیکری را که به نام ویزه یاد می‌گردد، در پاسپورت خویش الصاق نماید. مطابق ماده ۲۳ قانون مسافرت و اقامت اتباع خارجی در جمهوری اسلامی افغانستان «تبعه خارجی متقاضی ویزه، مکلف است درخواست مطالبه ویزه را هفت روز قبل از تاریخ سفر، به ادارات ذی‌ربط در خارج و داخل کشور ارائه نماید». در صورتی که متقاضی در خارج از افغانستان باشد، وفق صراحت ماده ۲۴ قانون فوق، مکلف است چنین عمل نماید: «تبعه خارجی متقاضی سفر به جمهوری اسلامی افغانستان مکلف است در خارج طبق تعامل و مقررات بین‌المللی، توافقات دو یا چند جانبه یا رویه بالمثل از نمایندگی‌های سیاسی یا قونسل‌ی افغانی و در داخل، از ادارات ذی‌ربط وزارت امور داخله ویزه اخذ نماید».

#### ۴-۳. رعایت قوانین و ارزش‌های ملی

اتباع خارجی بعد از ورودشان به کشوری، ملزم‌اند تا به قوانین نافذه کشور و ارزش‌ها و رسوم پسندیده آن جامعه احترام قائل شده و اوامر و احکام قوانین نافذه را رعایت نمایند (مقرره استخدام اتباع خارجی در ادارات افغانستان، ماده ۴). قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان در ماده ۵۶: «پیروی از احکام قانون اساسی، اطاعت از قوانین و رعایت نظم و امن عامه را وجوبه

تمام مردم افغانستان» دانسته است. لذا از مفهوم این ماده قانون فهمیده می شود که اتباع خارجی، به صورت اولی مکلف به اطاعت از اوامر و احکام قانون و ملزم به رعایت نظم و امن عامه می باشد، چرا که قانون، نظم و امن عامه از مهمترین و وثیق ترین پیمان های است که جامعه بشری را به زندگانی توأم با سعادت، صلح، صفا، سلامتی و آرامش، رهنمون می شود. هرگاه مواد قانون مورد بی اعتنائی قرار گیرد و نظم جامعه مخدوش گردد و امنیت آن نقض شود، آنا رشی، هرج و مرج، بی بند و باری، وحشیگری و بدعت های غیر انسانی در جامعه حاکم خواهد شد و عزت و شرافت مردمان نجیب جامعه دست خوش امیال و هرزه گری یک تعداد از اوباش و ارازل خواهند شد.

##### ۵. پاسخ های واکنشی (پاسخ های دولتی شامل حبس، جزای نقدی، اخراج)

با توجه به قوانین اساسی کشورها، مبانی حاکمیت و نظام سیاسی جوامع بر مبنای قانون اساسی که یکی از مهم ترین اسناد حقوقی و سیاسی کشورها می باشد، شکل می گیرد. اهداف قانونگذار از وضع و تصویب احکام جزایی، ایجاد نظم، تحکیم ثبات و پایداری ارزش ها و تأمین امنیت اساسی جامعه می باشد. نظام جمهوری اسلامی افغانستان که بعد از چندین دهه جنگ و ناآمنی و بی ثباتی که بدون شک دست های محرک بیرونی در تحریک مسئولین داخلی و به بحران رفتن نظام سیاسی کشور انجامید و بر علاوه نقض حقوق اساسی اتباع داخلی به صورت آشکارا صورت گرفت و منجر به نابودی و قتل آنان و نیز غارت اموال شان شد، بسیاری از اتباع خارجی اشتراک کننده در هردو طرف جنگ نیز نبود و به خاک و خون کشانیده شدند و همه تأسیسات و زیر بناهای کشور نیز نابود و به یغما برده شدند که این همه ناشی از عدم تدابیر زعیمان، مسئولان و شخصیت های سیاسی، فرهنگی و علمی کشور و نیز فقدان یک سیاست تقنینی جامع و فراگیر که ممثل حقوق اساسی همه اقشار و آیینیه تمام و کمال حاکمیت ملی و مشارکت همه جانبه اتباع افغانستان باشد، بوده است.

ضعف ها و نارسایی های فوق باعث این شد که سرحدات و مرزهای سیاسی کشور بدون درب و پنجره از لحاظ حقوقی و امنیتی شود و اتباع خارجی که در پی اهداف شوم سودجویانه گوناگون شان بودند که تحقق آن ها، با نقض حقوق اساسی و سیاسی جامعه افغانستان و نیز به یغما بردن آثار باستانی تمدنی و فرهنگی کشور و نیز ترویج قاچاق انواع مواد مخدر و مهاجران و انسان، همراه بوده است، بدون رعایت اصول و نزاکت های منطقه ای و بین المللی به صورت فوج فوج و گروه گروه وارد کشور شوند و در مختل ساختن امنیت داخلی و خارجی و سقوط جایگاه حقوقی - سیاسی افغانستان نقش فعال و مؤثر و محرک داشته باشند که الی اکنون تأثیرات آن باقی و حضور اتباع خارجی به ویژه در ساحات خارج از کنترل دولت و در میان نیروهای مخالف دولت جمهوری اسلامی افغانستان، به صورت آشکار قابل لمس می باشند.

از میان قواعد و مقررات موجود مهمترین قانون در رابطه به حقوق اتباع خارجی، قانون مسافرت و اقامت اتباع خارجی و مقررده استخدام اتباع خارجی در ادارات افغانستان، مندرج جریده رسمی ۸۵۸ مورخ ۱۳۸۴/۴/۳۰ می باشد؛ اما به لحاظ کیفری و تعیین مجازات به شکل ماهوی آن، کد جزای افغانستان، منتشره جریده رسمی ۱۲۶۰ مورخ ۲۵ ثور ۱۳۹۶، می باشد که در ماده ۱۶، در خصوص دایره شمول و قلمرو حاکمیت اش، تحت عنوان «ساحه تطبیق قانون از حیث مکان» چنین می فرماید: «احکام این قانون بر هر تبعه افغانستان، شخص بدون تابعیت یا هر تبعه خارجی که در قلمرو کشور مرتکب جرم شود، تطبیق می گردد». در مورد این که تطبیق و تنفیذ این قانون، بر هر شخص دارای تابعیت، بدون تابعیت و اتباع خارجی که در قلمرو افغانستان (شامل هوا، دریا و ...) مرتکب جرم شوند، محاکم صلاحیت دار، دادگاه های افغانستان محسوب می شوند، چقدر عملی و با واقعیت ها و توانایی های دولت جمهوری اسلامی افغانستان، تطابق و همخوانی خواهد داشت، موضوع جداگانه است؛ اما به لحاظ گسترش و توسعه ارتباطات و فناوری و پیشرفت وسایل حمل و نقل و نیز تسریع روند تفاهم و پلانگذاری ها از راه دور و تشریک تصمیم ها توسط وسایل الکترونیکی، این امکان را فراهم نموده که ممکن هر روز جرایمی در کشور توسط اتباع بیگانه و یا خارج از کشور، توسط آنان علیه اتباع کشور و یا منافع حیاتی و اساسی جامعه، اتفاق بیفتد که به همین سبب قانونگذار افغانستان نیز به تبعیت از اصول صلاحیت های «حقوق جزای بین الملل» که تحت عنوان صلاحیت اعمال قوانین کیفری در داخل قلمرو حاکمیت (اصل صلاحیت سرزمینی) و در خارج از قلمرو حاکمیت (براساس رابطه تابعیت یا اصل صلاحیت شخصی و اصل صلاحیت مبتنی بر تابعیت مجنی علیه) و صلاحیت اعمال قوانین کیفری در خارج از قلمرو حاکمیت براساس ماهیت جرم، مورد بحث و بررسی

قرار گرفته و صلاحیت‌های کشورها را مشخص نموده است، تدابیری را برای مجازات این‌دست از بزه‌کاران، سنجیده و هرنوع «عمل جرمی یا نتیجه جرمی» که در قلمرو افغانستان، توسط هر شخصی اتفاق بیفتد، صلاحیت اعمال قوانین کیفری را توسط محاکم خویش دارد.

دیده می‌شود که هر شخصی که مرتکب جرم گردد اعم از این که اتباع داخلی باشد یا خارجی، دادگاه صلاحیت‌دار، دادگاه‌های افغانستان و قانون حاکم نیز قانون افغانستان خواهد بود؛ اما در رابطه به جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی، قانون‌گذار افغانستان در مواد ۲۳۸ و ۲۴۰ کدجزا، برخی از جرائم را نسبت به مرتکب آن جرم‌انگاری نموده است، طوری که اگر تبعه جمهوری اسلامی افغانستان، آن جرائم را انجام دهند، تحت عنوان خائن ملی و اگر تبعه خارجی، مرتکب آن جرائم گردد، به صفت جاسوس مورد پیگرد و مجازات قرار خواهند گرفت. بناءً با توجه به موارد و معضله‌های یادشده به پاسخ‌های واکنشی در چوکات و چارچوب سیاست تقنینی کیفری، در این گفتار خواهیم پرداخت:

#### ۱-۵. مجازات ورود و اقامت غیر مجاز اتباع خارجی (حبس، جزای نقدی و اخراج)

با تأسف باید اذعان کرد که جنگ‌ها و نا امنی‌های متوالی چندین‌ساله در کشور، باعث شده است تا اتباع خارجی به‌عنوان سرمایه‌گذار و توریست، از افغانستان دیدن نکنند، زیرا توجه اتباع خارجی به عنوان توریست و تاجر و سرمایه‌گذار، زمانی جلب خواهد شد که جان و مال آنان محفوظ و امنیت‌شان تضمین شده باشد و ارزش‌های انسانی و اجتماعی در جامعه حاکم و مستقر باشند. هرچند، این ارزش‌ها با مداخله جامعه جهانی و اجلاس بن، داشت از یأس و ناامیدی مردم افغانستان تبدیل به امید و زندگی بهتر می‌شد، اما دیری نگذشت که بازهم هیولای سیاه ناامیدی و جهل، جان دوباره گرفت و ترس و وحشت و ترور آغاز شد.

درحالی‌که حفظ ارزش‌های (همانند استقلال و حاکمیت ملی و استقرار ثبات، آسایش و نظم جامعه) زمانی ممکن خواهد شد که امنیت سرحدات و شهرهای کشور تأمین و از جانب مسئولان ذی‌ربط تضمین شده باشد، در غیر آن، جمهوری اسلامی افغانستان که یکی از فقیرترین، ناامن‌ترین و فاقد زمینه‌های شغلی-صنعتی می‌باشد، برای اتباع خارجی، جز، کسانی که برای وارد ساختن برخی از کالاهای تجارتي، مشارکت در برخی از اداره‌های دولتی و خصوصی، آن‌هم در چارچوب تشکیلات نظامی و یا به‌دعوت برخی از شرکت‌های خصوصی و فنی که به‌صورت قانونی و موقت وارد کشور شوند، کسی دیگر، چندان تمایلی برای ورود و اقامت ندارند، مگر این‌که در چندسال اخیر، اتباع برخی از کشورهای همسایه به ویژه جمهوری اسلامی ایران که به هدف کسب پناهندگی در کشورهای اروپایی و یا صنعتی، در جمهوری اسلامی افغانستان مقیم شده‌اند و درخواست کسب تابعیت داده‌اند که تا اکنون به علت عدم قانون خاص در امور پناهندگان، جز چند مورد محدود که از جمله می‌توان به سعدی خالدي باشنده اقلیم کردستان ایران اشاره نمود، اولین شهروند خارجی‌ای که در سال ۱۳۹۱ در زمان ریاست‌جمهوری حامدکرزی با دستور وی، تابعیت افغانستان را کسب نموده که بیش از بیست‌سال می‌شود با زن و فرزندش در افغانستان زندگی می‌کند و تذکره الکترونیکی اخذ نموده است.

کسی یا کسانی دیگری قادر به کسب تابعیت و اخذ شناسنامه نشده‌اند که برای متقاضیان کار اتباع خارجی که وفق هدایت ماده ۱۵ قانون ثبت احوال و نفوس دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان، مکلف به اخذ شناسنامه می‌باشند و در صورت عدم اخذ شناسنامه، واجد استخدام شناخته نمی‌شوند و نمی‌توانند شامل کارشوند (قانون طرح ثبت احوال نفوس ۱۳۹۳، جز ۶ ماده ۳۴)، دچار مشکلات می‌باشند. در صورتی که استخدام کننده، شخص بدون تذکره تابعیت را استخدام نمایند مطابق هدایت جزء ۱ ماده ۹۰۲ کد جزا به مجازات «حبس قصیر»، محکوم می‌گردد.

بعضی از اتباع خارجی که تعدادشان زیاد نیست به صورت انفرادی نیز مورد شناسایی، تعقیب و پیگیری قرار گرفته‌اند. این افراد شامل کسانی نیز می‌شوند که به صورت غیرقانونی و قاچاق به کشور وارد شده و مطابق هدایت مواد قانون مشمول مجازات می‌گردند، مگر این‌که در مورد الزامیت‌شان اسناد و مدارک قانونی وجود نداشته باشد. در این خصوص ماده نهم مقرر استرداد مظنونین و متهمین و انتقال محکومین به حبس، چنین صراحت دارد:

۱. هرگاه تبعه خارجی به اتهام ورود غیرقانونی دست‌گیر شود، در صورتی که اسناد و مدارک مبنی بر الزامیت قانونی وی وجود نداشته باشد، ارگان‌های امنیتی طبق رویه معمول آن‌را اخراج می‌نمایند.

۲. هرگاه تبعه خارجی در کشور متبوع خویش مرتکب جرم گردیده و به صورت غیرقانونی به افغانستان فرار نموده باشد، وزارت خارجه درمورد، براساس اصول استرداد مجرمین اقدام می‌نماید (جریده رسمی (۱۲۵۶) مورخ ۱۳۹۶/۲/۲)؛ اما با وجود آن که برخی از اتباع خارجی که حامل پاسپورت، ویزه یا سایر اسناد مسافرت، باشند و غیر از نقاط مشخص شده مرزی داخل قلمرو جمهوری اسلامی افغانستان گردند، این عمل‌شان مخالف احکام قانون بوده و مستوجب پیگرد عدلی و قضایی، شناخته می‌شوند (قانون مسافرت و اقامت اتباع خارجی، ماده ۵۳)، اما یک تعداد از اتباع خارجی که مجنی‌علیه قاچاق انسان واقع شده‌اند و به صورت غیرقانونی وارد کشور شده (قانون مبارزه با قاچاق انسان و قاچاق مهاجران، ماده بیست و یکم)، از اسناد تزویر شده مسافرت یا تذکره تابعیت استفاده می‌نمایند و یا اقامت غیرقانونی داشته باشند، از تعقیب عدلی معاف می‌باشند (کدجزا، ماده ۵۱۸).

## ۲-۵. مجازات عبور دهندگان اشخاص غیر مجاز از مرز

در رابطه به این که چه افراد و اشخاصی به ارتکاب فعل فراهم‌سازی یا عبور اشخاص غیرمجاز، از مرز به داخل کشور مبادرت می‌ورزند، به جرأت می‌توان گفت که قاچاقبران انسان یا مهاجران، زیرا که این عمل یکی از اعمال حرفوی و مافیایی می‌باشد و در توان هر شخص عادی نبوده و کسانی که تجربه چنین کاری را نداشته باشند، جرأت و جسارت لازم را نخواهند داشت، مگر در بسا مواردی که افراد و اشخاص ساکن در هم‌جواری مرزها یا به قول معروف سرمرزی‌ها که به علت بلد بودن راه‌های عبور و مرور، دست به چنین کاری زنند، اما اغلب قاچاقبران، متشکل از همین افراد و اشخاص سرمرزی به خاطر موقعیت سکونت‌شان، است. کد جزای افغانستان نیز در ماده ۵۲۱ تحت عنوان «جرم قاچاق مهاجران»، این اعمال را جرم انگاری نموده است. با وجود آن که قانون جزای کشور در مورد مرتکبان جرائم و مجازات آن‌ها، غالباً به صورت کلی و عام حکم نموده است، اما در برخی از جرائم دیده می‌شود که کد جزای افغانستان در رابطه به جرائم اتباع خارجی تحت عنوان «جرائم مسافرت و اقامت و مجازات آن» و «عبور و مرور از سرحدات»، میان مرتکبان داخلی و اتباع خارجی تفکیک قائل شده و نسبت به اتباع خارجی که به هدف پیوستن به گروه‌های مخالف دولت و یا اعمال تروریستی وارد کشور شوند، رویکرد سخت‌گیرانه‌تری را اختیار نموده و در ماده ۸۸۰ چنین اشعار می‌دارد:

(۱) تبعه خارجی که بدون داشتن پاسپورت، ویزه یا سند مسافرت از سرحدات کشور عبور و مرور نماید، علاوه بر حبس قصیر یا جزای نقدی از بیست هزار تا شصت هزار افغانی با رعایت احکام قانون، به اخراج از کشور نیز محکوم می‌گردد.

(۲) هرگاه شخص مندرج فقره (۱) این ماده، به هدف پیوستن به گروه‌های مسلح مخالف دولت یا انجام فعالیت‌های تروریستی از سرحد به همکاری سایر اشخاص عبور نموده باشد، عبور کننده و اشخاصی که با وی همکاری نموده‌اند، به مجازات مندرج فقره (۴) ماده ۲۷۷ این قانون، محکوم می‌گردند.

براساس هدایت این قانون، اتباع خارجی که در قلمرو جمهوری اسلامی افغانستان وارد می‌شوند در صورتی که مرتکب اعمال تروریستی شوند، وفق صراحت فقره ۵ ماده ۲۷۷، به حبس دوامدار درجه ۱، محکوم می‌گردد. درحالی که اگر یکی از اعضای سازمان تروریستی داخلی همان جرم را انجام دهد به حبس طویل محکوم می‌گردد، مگر این که تشکیل دهنده سازمان تروریستی، نظارت‌کننده و یا رهبری آن‌را به عهده داشته باشد.

دیده می‌شود که عبوردهندگان، به هر نحوی که زمینه تسهیل یا سفر اشخاص غیرمجاز را در قلمرو کشور فراهم نمایند مطابق مواد متذکره مستوجب مجازات تعیین شده شناخته می‌شود؛ اما اگر اشخاص یادشده که برای انجام اعمال تروریستی وارد کشور گردند، اتباع داخلی باشند، طبق فقره ۴ ماده ۲۷۷ کدجزا، به حبس طویل محکوم می‌گردند، اگر عبور کننده از جمله اتباع خارجی باشد و برای اعمال تروریستی وارد کشور شده باشند، به حبس دوام درجه یک محکوم به مجازات خواهند شد. هرگاه زمینه ورود یا تسهیلات لازم برای ورود اتباع خارجی غیرمجاز؛ به سبب تعلل یا اهمال موظف خدمات عامه، فراهم شده باشد، موظف خدمات عامه به حبس متوسط تا دو سال (کدجزا، ماده ۵۲۶)، مجازات خواهد شد؛ اما ممکن است این اشکال مطرح شود که در مواد کدجزا تفاوت میان اتباع خارجی مجاز (منظور کسانی نیستند که با داشتن پاسپورت و روادید قانونی سفر می‌نمایند) و غیرمجاز، به وضوح بیان نشده است، به گونه مثال در ماده ۵۲۴ تحت عنوان «معافیت مجازات مهاجر قاچاق شده»، می‌فرماید: «مهاجر قاچاق شده به علت ورود یا اقامت بدون مجوز قانونی در کشور، مورد تعقیب عدلی قرار نمی‌گیرد». منظور از مهاجران

اگر کسانی باشند که همانند اتباع افغانستان که به اثر جنگ‌های داخلی و تجاوز خارجی‌ها در افغانستان، به کشورهای همسایه مهاجر شده باشند، معلوم است که موضوع «اظهر من الشمس است»، طوری که در دهه هفتاد شمسی برخی از اتباع تاجکستان به ولایت کندز مهاجر شده بودند؛ اما هرگاه اتباع خارجی که توسط اتباع داخلی یا خارجی از مرزها به داخل کشور عبور داده می‌شوند و برای ارتکاب اعمال تروریستی و قاچاق مواد مخدر و یا برای انجام فعالیت‌های اعمال ضد منفعت عامه، موظف می‌شوند و خساره‌های هنگفتی را به دولت و جامعه تحمیل می‌سازند و در صورتی که گرفتار شوند و مدارک کافی هم برای اثبات جرائمشان وجود نداشته باشد، خود را مهاجر قلمداد می‌کنند و از زیر بار مسئولیت جزایی فرار می‌کنند و پس از آن، مجدداً به فعالیت‌های مخربانه شان ادامه می‌دهند. در حالی که مجنی علیه قاچاق شده در صورتی که توسط مسئولین کشف و ضبط شناسایی نشوند، مکلفاند به نزدیکترین مرکز پلیس امنی، مراجعه نموده و یا به نحوی از انحا اطلاع دهند.

### ۳-۵. مجازات مربوط به جعل اسناد سجلی از ناحیه اتباع خارجی

طوری که یادآوری گردید و قاعده نیز وجود دارد، از اوصاف قانون عام بودن و کلی بودن آن است که با توجه به آن هر شخص و یا اشخاصی (اعم از این که اتباع داخلی باشد یا خارجی) که مرتکب نقض مواد مندرج آن گردد، مستوجب مجازات، شناخته شده است، اما با آن هم در سیاست جنایی تقنینی افغانستان در برخی از موارد معدود، تفکیک میان اتباع داخلی و خارجی در مجازات جرم ارتكابی قائل شده است. طوری که نسبت به اتباع خارجی با رویکرد سخت‌گیرانه‌تری برخورد صورت می‌گیرد. مثلاً در رابطه به جرائم تروریستی (کدجا، ماده ۲۷۷) و «اموال ستراتیژیک» که حسب احوال برای مرتکب آن در فقره اول حبس متوسط و طولی که کمتر از ده سال نباشد، پیش‌بینی شده، اما برای مرتکب تبعه خارجی مجازات حبس دوامدار درجه ۲ در نظر گرفته شده است (همان، ۳۲۷)؛ اما در سایر جرائم تفاوتی میان بزه کار داخلی و خارجی قائل نشده است.

قانون (طرح) ثبت احوال نفوس، نیز با همین رویکرد تصویب و تحت عنوان «موارد تعقیب عدلی» در ماده ۳۴ ده مورد را جرم‌انگاری نموده و مرتکب را حسب احوال مطابق احکام قانون مورد تعقیب عدلی شناخته است.

با توجه به موارد ماده فوق که به صورت عام بیان شده و مشمول اتباع داخلی و خارجی می‌گردد، اما با تمرکز به قانون مسافرت و اقامت اتباع خارجی در جمهوری اسلامی افغانستان که قانون خاص است و موارد جزایی را به قانون ذی‌ربط آن ارجاع می‌دهد، استنباط می‌گردد که موارد فوق مشمول اتباع خارجی نیز می‌شود. مثلاً در ماده ۵۲ قانون مزبور که تحت عنوان «تحریف اسناد مسافرت» تسجیل یافته است، چنین صراحت دارد: «۱. تبعه خارجی که با پاسپورت یا اسناد تزویر شده یا تقلبی مسافرت، داخل قلمرو جمهوری اسلامی افغانستان گردد، طبق احکام قانون تحت تعقیب عدلی قرار می‌گیرد. ۲. هرگاه تبعه خارجی، ویزه و سایر اسناد مسافرت را که از طرف ادارات ذی‌ربط جمهوری اسلامی افغانستان به وی صادر می‌شود، تغییر یا تحریف نماید، طبق احکام قوانین نافذ کشور، تحت تعقیب عدلی قرار می‌گیرد».

کد جزای کشور نیز به عنوان قانون نافذ جزایی در ماده ۹۰۱ تحت عنوان «جرائم ثبت احوال نفوس» چنین اشعار می‌دارد:

(۱) شخصی که مرتکب یکی از اعمال ذیل گردد، به حبس متوسط بیش از سه سال، محکوم می‌گردد:

۱. اخذ مکرر تذکره تابعیت با تغییر مندرجات هویت ثبت شده.

۲. سوء استفاده از تذکره تابعیت به نفع خود یا دیگری.

۳. شکستادن یا خراب نمودن قصدی تذکره تابعیت. دیده می‌شود که در صورت جعل، تزویر و تغییر مندرجات هویت ثبت شده توسط شخص مرتکب خواه تبعه خارجی باشد یا داخلی، حبس متوسط بیش از سه سال، در نظر گرفته شده است؛ اما زمانی که مأمور ثبت احوال نفوس به صورت مشخص برای اتباع خارجی که نتوانسته‌اند تابعیت افغانستان را به صورت قانونی کسب نمایند، تذکره ترتیب نماید، وفق هدایت فقره دوم مزبور «به حداکثر مجازات جرم تزویر مندرج این قانون محکوم می‌گردد».

همچنان کدجا در ماده ۴۳۷ تحت عنوان «مجازات تزویرکننده» برای مرتکب جرم تزویر حبس متوسط پیش‌بینی نموده است. این مجازات در صورتی است که جرم ارتكابی به منظور ارتکاب جرائم تروریستی صورت نگرفته باشد، اما اگر جرم ارتكابی به منظور جرائم تروریستی اتفاق افتاده باشد، وفق هدایت فقره دوم ماده مزبور با رعایت ماده ۲۷۸ این قانون مجازات می‌گردد؛ اما با آن که موضوعات زیادی جرم انگاری گردیده و متجاوزان و ناقضان مواد مرتبط را مورد پیگرد عدلی و مجازات قرار داده‌اند، باز هم در رابطه به ارتکاب جرائم ناشی از جعل و دریافت تذکره‌های تابعیت به صورت غیرقانونی، مواردی زیادی وجود دارد که

هنوز هم در کشور به وفور مشاهده می‌شود. چنانچه در یک گزارش که در تاریخ ۳۰ جوزای ۱۳۹۶ برابر با ۲۰ جون ۲۰۱۷ ساعت ۱۴:۱۵ تحت عنوان «درحالی که در بعضی ولایات، خود افغان‌ها نمی‌توانند به آسانی تذکره تابعیت اخذ نمایند؛ اما در بعضی ولایات دیگر، خارجی‌ها به هدف اخذ اقامت در اروپا و دیگر کشورها تذکره تابعیت به دست می‌آورند» توسط آژانس خبری پژواک تهیه و پخش گردیده است و در آن با چندتن از مسئولین خدمات عامه و شهروندان کشور نیز مصاحبه انجام داده‌اند؛ نشان‌گر آن است که اتباع خارجی، تذکره تابعیت افغانستان را خواه به صورت جعلی و یا با تبانی با برخی از مسئولین و شهروندان کشور، دریافت می‌نمایند و از آن در جهت رسیدن به اهداف‌شان از جمله در نا امنی کشور و دریافت تابعیت کشورهای اروپایی استفاده می‌کنند و یکی از نمونه‌های بارز آن، یک تبعه ایرانی بود که تذکره تابعیت افغانستان را دریافت کرده بود و در عربستان سعودی دستگیر و زندانی شد (<https://www.pajhwok.com/dr/journalist/>).

«در این بخش؛ یک تعداد باشندگان هرات بر این باوراند که عدم کنترل مرزها باعث شده که بعضی از اتباع کشورهای همسایه، به هدف دریافت اقامت در کشورهای اروپایی، از تذکره تابعیت افغانستان استفاده کنند» (همان). اما مطابق برخی از مواد قوانین نافذ جمهوری اسلامی افغانستان استثناء برای مهاجر قاچاق شده و مجنی‌علیه تبعه خارجی، وجود دارد (قانون مبارزه با قاچاق انسان و قاچاق مهاجران، ماده ۲۱). مثلاً مجنی‌علیه در حالات ذیل مورد تعقیب عدلی قرار نمی‌گیرد:

ورود غیرقانونی در کشور.

اقامت غیرقانونی در کشور.

داشتن یا استفاده از اسناد تزویر شده تابعیت (سندشناسایی).

در حالت مندرج اجزای (۲ و ۳) ماده یازدهم این قانون.

در صورت ارتکاب عمل جرمی بر وی تحمیل گردیده باشد.

### نتیجه‌گیری

سیاست جنایی تقنینی عبارت است از: همه راهکارها، تدابیر و اقدامات کیفری سرکوب‌گرانه و پیش‌گیرانه که قانونگذار به منظور تأدیب و توبیخ بزهکاران و نیز پیشگیری از وقوع جرم و انحراف، در چوکات قوانین موضوعه مدون تسجیل می‌کند. رویکرد سیاست جنایی تقنینی افغانستان در قوانین کشور طوری تعبیه شده که نسبت به حقوق و آزادی‌های اتباع خارجی، متناسب و موازی به حقوق و اسنادهای مدون بین‌المللی به ویژه اعلامیه جهانی حقوق بشر، در جهت مثبت آن بوده و درحالی که از یک‌طرف، برای آنان حقوق و آزادی‌های مشروع قائل شده است، از جانب دیگر، آنان را مکلف به اطاعت از قوانین نافذ نیز دانسته است. این درحالیست که بر مبنای ماده سوم قانون اساسی ۱۳۸۲، رفتار و آزادی‌های اتباع خارجی، نباید مخالف معتقدات و احکام دین مبین اسلام باشد. دیده می‌شود که اتباع خارجی از حقوق و آزادی‌های فردی و اجتماعی محدود شده در چوکات قوانین نافذ برخوردارند، نه به صورت مطلق و بدون قید و شرط آن.

هر شخصی که مرتکب جرم گردد اعم از اینکه اتباع داخلی باشد یا خارجی، دادگاه صلاحیت‌دار، دادگاه‌های افغانستان و قانون حاکم نیز قانون افغانستان خواهد بود؛ اما در رابطه به جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی، قانونگذار افغانستان در مواد ۲۳۸ و ۲۴۰ کد جزا، برخی از جرائم را نسبت به مرتکب آن جرم انگاری نموده است، طوری که اگر تبعه جمهوری اسلامی افغانستان، آن جرائم را انجام دهند، تحت عنوان خائن ملی و اگر تبعه خارجی، مرتکب آن جرائم گردد، به عنوان جاسوس مورد پیگرد و مجازات قرار خواهند گرفت.

در نتیجه برای دستیابی به یک سیاست جنایی تقنینی مطلوب، باید ضعف‌ها (اعم از سیاسی، سمتی، سلیقه‌ای و ...) و نارسایی‌های قانونی، اجرایی و قضایی از سوی دولت مردان از بین برود و سرحدات و مرزهای سیاسی کشور، به لحاظ حقوقی و امنیتی بهبود داده شوند و دستگاه امنیتی در داخل و خارج مرزها جایگاه حقوقی و قانونی و اجرایی را حفظ نموده و نقش فعال داشته باشند. چرا که هدف قانونگذار از وضع و تصویب احکام جزایی ایجاد نظم و تحکیم ثبات و پایداری ارزش‌ها و تأمین امنیت اساسی جامعه می‌باشد.

## منابع

۱. ابرندآبادی نجفی، علی حسین و حمید، هاشم‌بیگی (۱۳۷۷)، *دانشنامه جرم‌شناسی*، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
  ۲. ارفع‌نیا، دکتر بهشید (۱۳۸۲)، *حقوق بین‌الملل خصوصی*، جلد اول، پنجم، بی‌جا، انتشارات بهتاب.
  ۳. دلماس مارتی، می‌ری (۱۳۹۸) *نظام‌های بزرگ سیاست جنایی*، با برگردان علی حسین نجفی ابرندآبادی، چهارم، تهران، نشر میزان.
  ۴. فارسیان مطلق، مهین، (۱۳۹۲)، *سیاست جنایی ایران در قبال جرائم خاص اتباع خارجی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه فردوسی مشهد.
  ۵. قیاسی، جلال‌الدین (۱۳۸۵)، *مبانی سیاست جنایی حکومت اسلامی*، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
  ۶. لازرژ، کریستین (۱۳۹۲)، *درآمدی بر سیاست جنایی*، با برگردان، مقدمه و دیباچه علی حسین نجفی‌ابرند آبادی، چهارم، تهران، نشر میزان.
  ۷. مجیدی، سید محمود (۱۳۸۶)، *جرائم علیه امنیت*، تهران: نشر میزان.
  ۸. هاشمی، سید حبیب (دلو/بهمن ۱۳۹۷)، *کسب تابعیت در نظام حقوقی افغانستان*، عدالت، ۱۹۲.
- اعلامیه‌ها، قوانین، مقرره‌ها:**
۹. اعلامیه اسلامی حقوق بشر مصوب ۱۴ محرم ۱۴۱۱ قمری مطابق با ۱۵ مرداد ۱۳۶۹.
  ۱۰. اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸.
  ۱۱. جریده رسمی (۱۲۵۶) مورخ ۱۳۹۶/۲/۲.
  ۱۲. پروتکل مربوط به وضع پناهندگان مورخ ۳۱ ژانویه ۱۹۶۷.
  ۱۳. قانون اساسی ۱۳۸۲.
  ۱۴. قانون پاسپورت.
  ۱۵. قانون مبارزه با قاچاق انسان و قاچاق مهاجران.
  ۱۶. قانون ثبت و احوال نفوس دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان.
  ۱۷. قانون طرح ثبت احوال نفوس منتشره جریده رسمی ۱۱۵۴ مورخ ۱۳۹۳/۹/۲۵.
  ۱۸. قانون طرز طی مراحل نشر و انفاذ اسناد تقنینی.
  ۱۹. قانون مبارزه با قاچاق انسان و قاچاق مهاجران.
  ۲۰. قانون مسافرت و اقامت اتباع خارجی.
  ۲۱. کد جزا.
  ۲۲. مقرر استخدام اتباع خارجی در ادارات افغانستان، مندرج جریده رسمی ۸۵۸ مورخ ۱۳۸۴/۴/۳۰.
- منابع الکترونیکی:**
۲۳. تلویزیون تمدن.
  ۲۴. آژانس خبری پژواک، تاریخ ۳۰ جوزای ۱۳۹۶ برابر با ۲۰ <https://www.pajhwok.com/dr/journalist/> جون ۲۰۱۷ ساعت ۱۵:۱۴.
  ۲۵. [per.euronews.com](http://per.euronews.com) 22-10-2019.